

<span><span> </span></span>
<span><span> </span></span>
<span><span> </span></span>
<span><span> </span></span>
<span><span> </span></span>
<span><span> </span></span>
<span><span> </span></span>
<span><span> </span></span>
<span><span> </span></span>
<span><span> </span></span>
<span><span> </span></span>
<span><span> </span></span>

خبر

**ترامپ به جهان سیاست بازمی‌گردد**

**جمهوری خواهان در مسیر انشعاب**

● آن‌گونه که پیش‌بینی می‌شود، «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهوری سابق آمریکا، پس از شکست دومین استیضاحش در مجلس سنای این کشور، آمادگی این را دارد تا بار دیگر به عرصه سیاسی کشورش بازگردد. همان‌طور که لندینی گراهام، سناتور جمهوری‌خواه، پیش از این گفته بود که حزب‌جمهوری‌خواه بدون ترامپ نمی‌تواند دوباره کنترل سنا را در دست بگیرد، اکنون نیز موضوع بر سر آینده حزب جمهوری‌خواه و تشدید شکاف‌ها در بین اعضای این حزب است.
به‌گزارش سسی‌ان‌ان، ترامپ در نخستین‌گام برای بازگشت به عرصه سیاسی ایالات متحده، قرار است در روز پایانی سه‌روزه اتحادیه محافظه‌کاران آمریکا در ایالت فلوریدا سخنرانی کند. منابع مطلع به «سی‌ان‌ان» گفته‌اند ترامپ ضمن انتقاد شدید از عملکرد دولت «جو بایدن»، رئیس‌جمهوری کنونی این کشور و به‌ویژه انتقاد از سیاست کنشایش مرزهای آمریکا، به موضوع آینده حزب جمهوری‌خواه خواهد پرداخت.
موضوع استیضاح دوم ترامپ و همراهی برخی از نمایندگان و سناتورهاى جمهوری‌خواه با طرح استیضاح او، باعث شکاف در این حزب شده است. با وجود این، بسیاری از رهبران جمهوری‌خواه بر این باورند که ترامپ با وجود حامیان زیادی که دارد، می‌تواند به پیشبرد منافع حزبی‌س کمک کند.
گراهام در این‌باره به فاکس‌نیوز گفت: «می‌دانم کار با ترامپ می‌تواند مشکل باشد، اما او پرنفوذترین شخصیت در حزب جمهوری‌خواه است».
بااین‌حال، برخی اعضای قدیمی حزب جمهوری‌خواه از جمله اعضای کمیته ملی جمهوری‌خواهان کنگره و بازوی تبلیغاتی جمهوری خواهان مجلس سنایندگان آمریکا معتقدند با وجود حمایت ۸۰درصدی جمهوری خواهان از ترامپ، بی‌فاینتی او به آینده حزب لطمه خواهد زد و باید از افراد دیگری حمایت شود.
زمزمه‌های انتصاب در حزب جمهوری‌خواه در شرایطی است که به نظر می‌رسد ایجاد حزب سوم در بین مردم آمریکا نیز طرفداران زیادی دارد؛ به‌ویژه آنهایی که از جمهوری خواهان ناامید شده‌اند.
نظرسنجی جدید مؤسسه گالوپ، حاکی از آن است که ۶۳ درصد جمهوری خواهان و ۶۲ درصد کل آمریکایی‌ها معتقدند ایجاد حزب سوم ضروری است.
بر اساس نظرسنجی‌های این مؤسسه، جمهوری خواهان هیچ‌وقت تا این حد طرفدار ایجاد حزب جدید نبوده‌اند و بالاترین رقم تا قبل از این ۴۰ درصد بوده است.

با گذشت بیش از سه هفته از

کودتای نظامیان میانمار نه‌تنها آرامش به شهرهای این کشور کودتا‌زده بازنگشته، بلکه در روزهای اخیر بر شدت اعتراضات مردم نیز افزوده شده است و در جریان اعتراض‌های روز شنبه در شهر «ماندالی»، دومین شهر پرجمعیت میانمار و درگیری میان نیروهای نظامی و مردم، دو نفر کشته شدند تا مرگ‌بارترین اعتراض‌ها در سه هفته اخیر علیه کودتای نظامیان در میانمار رقم بخورد.
به‌دنبال کودتای نظامی در میانمار علیه آنگ سان سوچی، رهبر حزب حاکم «اتحادیه ملی دموکراسی» و سرنگونی

دولت، اعتراض‌های گسترده خیابانی در میانمار پرا است و تاکنون صدها نفر نیز یازداشت شده‌اند. این کودتا سه ماه پس از آن رخ داد که حزب آنگ سان سوچی، در انتخابات، دومین پیروزی غیرمنتظره را از آن خود کرد. ارتش میانمار اداکرده که به‌دلیل تقلب در انتخابات پارلمانی ماه نوامبر ۲۰۲۰ که به پیروزی قاطع حزب حاکم منجر شد، دولت غیرنظامی را برکنار کرده و وعده داده که پس از پایان وضعیت اضطراری انتخابات تازه‌ای برگزار خواهد کرد؛ اما مخالفان، این ادعای ارتش را نمی‌پذیرند.
با تداوم اعتراض‌ها در میانمار، از روز شنبه تعدادی از گروه‌های اقلیت قومی هم به معترضان پیوستند تا کار برای نظامیان حاکم بر این کشور دشوارتر شود. رهبر جوانان اقلیت ناگا و سازمان‌دهنده اعتراضات روز گذشته در یانگون، پایتخت میانمار، می‌گوید: «معترضان خواستار یک سیستم فدرال هستند. ما نمی‌توانیم با دیکتاتوری یک کشور فدرال باشیم. ما نمی‌توانیم خودنا را بیپذیریم. برخی از احزاب اقلیت به جنبش خود علیه کودتا پایبند نیستند و عقب‌نشینی کرده‌اند. علت آن هم تبعات ناکامی آنگ سان سوچی در ایجاد ائتلاف با احزاب سیاسی اقلیت در سال‌های اخیر است.
بااین‌حال ما باید این مبارزه را ادامه دهیم. ما در کنار مردم هستیم و تا پایان این دیکتاتوری به مبارزه ادامه می‌دهیم.»

معترضان خواستار احیای دولت منتخب، آزادی آنگ سان سوچی و لغو قانون اساسی ۲۰۰۸ شده‌اند که در دوران حکومت نظامی قبلی تدوین شد و به ارتش اختیارات گسترده‌ای را در سیاست می‌دهد. آمریکا، بریتانیا، کانادا و نیوزیلند تاکنون تحریم‌هایی را علیه رهبران نظامی میانمار وضع کرده که بیشتر

## جهان



۲ کشته در خونین‌ترین روز اعتراض‌های میانمار

# ایستادگی علیه کودتاجیان

شامل ممنوعیت سفر و مسدودسازی اموال آنها می‌شود.

برای نظامیان میانمار (برمه)، کشوری که از سال ۱۹۶۲ تا ۲۰۱۱ تحت حکومت غیردموکراتیک نظامی بود و از نظر بین‌المللی، یکی از کشورهای منزوی تلقی می‌شد، مقاومت سه‌هفته‌ای مردم علیه کودتا اندازه‌ای قدرت داشتند که تصور ایستادگی در برابر آنها دشوار بود؛ اما این‌بار نسل جدید میانمار حاضر نیستند در برابر کودتای نظامیان کوتاه باییند و سران ارتش پیش‌بینی این را نکرده بودند.

اگر ارتش در نتیجه این اعتراضات عقب‌نشینی کند، نمی‌توان دقیقاً پیش‌بینی کرد که وضعیت به کدام سمت خواهد رفت. این ائتلاف به‌دلیل اعتراضات، انقلاب مردمی یا تحریم‌های بین‌المللی رخ نداده است. دلیل اتفاقات سه هفته اخیر این است که سران نظامی میانمار تصور می‌کردند

این‌بار هم به‌راحتی کودتا را اجرا می‌کنند. بنابراین با اعتمادبه‌نفس بالایی اقدام کردند. آنها می‌خواستند قدرت را دوباره در دست بگیرند و سپس اختیارات ناچیزی به رهبران غیرنظامی اعطا کنند؛ اما این‌بار وضعیت متفاوت شد و این ناشی از اشتباه محاسباتی نظامیان بود. آنها تصور نمی‌کردند که با چنین احساسات ضدنظامی در میان تمام اقشار و در کشوری روبه‌رو شوند که ده‌ها تحت حاکمیت نظامیان بوده است.»

مینت که چند سالی با سازمان ملل همکاری کرده، درباره چشم‌انداز پیش‌رو در میانمار می‌گوید: «آنها فکر می‌کردند که می‌توانند این کار را دوباره به روشی آسان انجام دهند و قدرت را بدون مخالفت درخورتوجهی به دست بگیرند. تصور این بود که آنگ سان سوچی دوباره در حصر خانگی قرار می‌گیرد، حزب سیاسی او منحل می‌شود و در انتخابات پیش‌رو هم احزایی اجازه حضور پیدا می‌کنند که روابط دوستانه‌ای با نظامیان میانمار داشته باشند. اعتراض‌ها و ایستادگی مردم قابل انتظار نبود، اما با وجود این مخالفت‌ها

و با وجود تغییرات اجتماعی و نسلی گسترده در این کشور نباید انتظار داشته باشیم که در صفوف ارتش شگافی ایجاد شود و مردم حاضر در خیابان‌ها به پیروزی برسند. با وجود گستردگی استفاده از اینترنت و راه‌های دیگر که می‌توان برای نظامیان چالش‌هایی ایجاد کرد، باید به این نکته آگاه باشیم که ساختار ارتش میانمار به گونه‌ای است که کاملاً از جهان بیرون جدا شده و رهبران نظامی، ارتشیان را کاملاً ایزوله کرده‌اند تا تحت تأثیر تحولات بیرونی قرار نگیرند.»

ژنرال‌های میانمار تاکنون در مقابل تحریم‌هایی که هفته گذشته از سوی ایالات‌متحده، کانادا و بریتانیا و به‌دلیل سرکوب معترضان و نقض حقوق بشر اعمال شده، واکنشی نشان نداده‌اند. به نظر می‌رسد ژنرال «هایلینگ» فرمانده ارتش و رهبر کودتاجیان، نسبت به خواسته‌های ایالات‌متحده، هند، ژاپن و استرالیا مبنی بر «احیای سریع سیستم دموکراتیک» یا درخواست سازمان ملل برای جلوگیری از استفاده از زور علیه غیرنظامیان معترض بی‌تفاوت است.

اما معترضان نیز همچنان بر خواسته‌های خود پافشاری می‌کنند. «فیو تندر کایاو» ۲۴ساله و یکی از معترضان میانماری می‌گوید که آنها هم درست مثل نسل‌های قبلی که برای دموکراسی در میانمار می‌جنگیدند، ترس و نگرانی ندارند. «مادم بارها درباره خیزش‌های سال ۱۹۸۸ از من صحبت کرده و می‌دانستم آنها چه نگرانی‌هایی داشتند. به نظر می‌رسد این‌بار هم همان اتفاقات در حال رخ‌دادن است.

تنها تفاوت این است که ما حاضر نیستیم عقب‌نشینی کنیم. این‌بار ما نسل جوان تحصیل‌کرده‌تر هستیم و راه‌حل‌های بیشتری داریم.»

ادامه از صفحه ۴

## برای قضاوت درباره سیاست برجامی بایدن

## زود است

بگذارد. بنابراین این رویکرد اصلی آمریکااست که فکر می‌کند موضوع برجام و بین‌باید هم‌زمان با هم پیش بروند و سنگ‌بنای یک روند تعاملی در منطقه باشد که به‌طور کلی از سطح تنش‌ها بکاهد.

**۴** به عنوان سؤال آخر، با درنظرگرفتن همه نکاتی که الان وجود دارد، آیا فکر می‌کنید چشم‌انداز برجام و رابطه ایران و آمریکا آن‌طور که خوشبینانه برخی تصور می‌کنند، به سمت حل تنش‌هاست یا به سمت برهم‌خوردن توافق و تشدید بحران؟

متأسفانه ایران و آمریکا کمتر پیش آمده در ۴۰ سال گذشته روی یک طول موج باشند و معمولاً وقتی که یک طرف آماده بوده برای پیشرفت در دیپلماسی، طرف دیگر آماده نبوده یا اینکه تقویم سیاسی‌شان با همدیگر هماهنگ نبوده است. متأسفانه ما الان دوباره در چنین شرایطی هستیم؛ یعنی همان دولتی که در آمریکا برجام را مذاکره کرده، الان دوباره به قدرت برگشته است و همان اشخاص هستند و در ایران همچنان اشخاصی که برجام را مذاکره کردند تا چند ماه آینده در قدرت هستند، ولی شرایط سیاسی

همان‌طور که گفتم دشوار است و موانع متعددی در راه بازگشت به برجام وجود دارد. ولی به گمان من می‌شود محتاطانه‌خوش‌بین بود. حتی در صورت فعلی پیاده کند. در سال ۲۰۱۵ رسیدن به توافق برجام، عملاً به ضرر یمن تمام شد؛ چون آمریکا مجبور شد برای راضی نگه‌داشتن عربستان پس از اینکه برجام را با ایران نهایی کرده بود، از جنگ یمن حمایت کند. آن‌موقع هم رویکرد آمریکا این بود که ابتدا به‌مهم‌ترین و ضروری‌ترین مسئله برایش که برجام است، بپردازد و بعد به مسائل منطقه‌ای؛ امروز دولت بایدن دنبال این است که مسئله یمن و مسئله برجام را هم‌زمان با هم پیش ببرد، در راستای همدیگر و مطمئن شود که هیچ‌کدام از این دو پرونده به ضرر دیگری نخواهند بود. به‌طورکلی همان‌طور که گفتم، تنش‌زدایی در منطقه باید هم‌زمان با تنش‌زدایی درباره برجام صورت بگیرد. بنابراین یمن را به‌عنوان پلبی برای بازگشت به دیپلماسی بر سر برجام نمی‌بینند، بلکه معتقد هستند این دوروند مکمل هم هستند و باید در کنار هم صورت بگیرند و در عین حال باید در یک استراتژی وسیع‌تر دیده بشوند که منجر به رفع تنش‌ها در سطح منطقه شود. بنابراین پیشرفت در مسئله یمن و پیشرفت در بازگشت به برجام، می‌تواند دو سنگ‌بنای روند تعامل منطقه‌ای باشد که البته آمریکا در شرایطی نیست که بتواند آن را رهبری کند، ولی می‌تواند از نهادهای بی‌طرفی مثل سازمان ملل یا یک گروه از کشورهای اسکاندیناوی بخواهند چنین روندی را پیش ببرند، حمایت کند و وزن سیاسی خود را پشت چنین روندی

<div><b>برگ سبز و کارت خودر</b><b>MVM X22</b> رنگ آبی متالیک مدل ۱۳۹۷ به شماره پلاک ایران ۳۸ – ۷۱۵ و ۶۵ و شماره موتور <b> MVMD4G15BAFJ016978</b> و شماره شاسی <b> NATFBAAV0J1015718</b> به نام <b> نامدار قاسمی </b>  مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</div>	
<div><b> پروانه اشتغال نظام مهندسی استان تهران به شماره ۰۲۳۰۰۵۰۱۳۳</b> <b> اینجناب مجتبی اصلانی </b> فرزند <b>محسن</b> به <b> کد ملی ۱۳۴ ۲۲۷۹۹۵۱۱</b> و شماره شناسنامه <b> ۱۳۵</b> صادره <b> از رامسر مفقود گردیده است و فاقد اعتبار است</b>. از <b> یابنده تقاضا می شود اصل پروانه اشتغال را به نشانی تهران، شهرک غرب، خیابان مهستان، پلاک ۱۰</b> ارسال نماید.</div>	

<div><b>برگ سبز ، سند کمپانی ، کارت ماشین و پلاک خودرو اپل آسترا </b> رنگ دودی مدل ۱۹۹۴ به شماره پلاک <b> ۳۵۱ ۱۱</b> ایران <b> ۶۸</b> و شماره موتور <b> 02AC2226</b> و شماره شاسی <b> R5196786</b> به نام <b>محمد ور قائی</b> به کدملی <b> ۰۰۳۵۰۷۱۳۳۸</b> فرزند <b> عزت اله</b> مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</div>	
---	--

<div><b>برگ سبز خودروپژو</b><b>۲۰۶</b> آریان رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک ایران ۱۱ – ۷۸۸ ل ۳۷ و شماره موتور <b> ۲۲۵۱۹۴۲۷</b> و شماره شاسی <b> ۱۴۱۸۷۰۰۰۵۲۰</b> به نام <b>ندا محمدی سربند</b> مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</div>	
--	--

<div><b>بدین وسیله اعلام می دارد «انتشارات رادمند» به مدیر مسئولی داود رادمند به شماره پروانه ۹۳۲۷ به «انتشارات مناطق آزاد تجاری صنعتی» تغییر نام داد.</b></div>	
--	--

<div><b>سند کمپانی خودروپژو</b><b>۱207</b> اتوماتیک رنگ مشکی متالیک مدل ۱۳۹۰ به شماره موتور <b> ۳۲۱۳ ۱۳۵۹۰۰</b> و شماره شاسی <b> NAAR13FE6BJ979926</b> مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</div>	
--	--

در حوالی میدان سرخ

### مسیر پرپیچ‌وخم مسکو و بروکسل

**احمد وحشیته . استاد دانشگاه ملی اوراسیا**

● شخصی به دیگری رسید و احوالش را جویا شد؛ پرسید که روبه‌راه هستی؟ آن فرد در پاسخ گفت زندگی من راه‌راه است و راه‌های سیاه و سفید دارد. طرف پرسید که الان در چه راهی هستی؟ آن فرد در پاسخ گفت سیاه!

چند وقتی گذشت و بار دیگر آن دو نفر به همدیگر رسیدند؛ شخص پرسشگر پرسید که امروز در کدام راه هستی؟ طرف در پاسخ گفت: در راه سیاه! آن شخص کنجکاو شد و گفت: خاطرم هست که پیش‌تر گفتی که در وضعیت سیاه هستی که با این پاسخ روبه‌رو شد؛ آن زمان فکر می‌کردم که در وضعیت سیاه قرار دارم، اما اکنون متوجه شدم که امروز در وضعیت سیاه قرار گرفته‌ام و آن روزها وضعیت بهتری داشتم.

گزاف نیست اگر بگویم به اعتقاد مقامات مسکو، رابطه با بروکسل در ماه‌های اخیر در وضعیت تاریکی قرار گرفته است؛ اما با وجود این نگرانی‌ها، گمان می‌رود روابط میان روسیه و اتحادیه اروپا در ماه‌های آینده می‌تواند وضعیت تاریک‌تری را نیز تجربه کند که در این میان متغیرهایی همچون موضوع اوکراین، بحران سیاسی بلاروس و در رأس آن وضعیت الکسی ناوالنی، یکی از منتقدان رئیس‌جمهوری روسیه، نقش بسزایی در روند پیش‌رو ایفا می‌کند.

به دنبال موضوع الکسی ناوالنی و حمایت مقامات اتحادیه اروپا از معترضان، روابط مسکو و بروکسل در مسیر دشواری قرار گرفته که اخراج دیپلمات‌های آلمانی، لهستانی و سوئدی در ابتدای فوریه به‌دلیل مشارکت در این اعتراض‌ها، مؤید همین موضوع است؛ روندی که البته به اقدام تلافی‌جویانهٔ این کشورها هم‌زمان با سفر مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به مسکو انجامید.

در این میان، به نظر می‌رسد که برآیند این شرایط سیاسی پیچیده، از صحبت‌های سرگئی لاوروف، وزیر خارجه این کشور نیز ظهور پیدا کرد؛ درست هنگامی که خبرنگاری از او پرسید آیا ممکن است قطع روابط با اتحادیه اروپا در دستور کار مسکو قرار بگیرد؟ و او پاسخ داد که شاهد تحریم‌های جدیدی باشیم که بر روابط اقتصادی ما آسیب جدی وارد کند. اگر چه این جمله با واکنش مقامات مختلف

اتحادیه اروپا روبه‌رو و سپس از سوی کرملین تعدیل شد، باوجوداین، خبر از شکافی در روابط آنها می‌دهد که عمق آن در ماه‌های آینده آشکار خواهد شد. روند زور پس از آن در هفته گذشته، لاوروف با همتای فنلاندی خود در سن‌پترزبورگ گفت‌وگو کرد و در کنفرانس مطبوعاتی پس از این دیدار، بار دیگر به سردی در روابط اشاره کرد و ریشه آن را حوادث اوکراین در سال ۲۰۱۴ دانست. با وجود این، مسکو توسعه روابط سودمند با اروپا را دنبال می‌کند و معتقد است میان اتحادیه اروپا و اروپا تفاوت وجود دارد.

بر کسی پوشیده نیست که اتحادیه اروپا، شریک مهم تجاری روسیه به شمار می‌آید؛ اما در این میان، برخی مفاهیم انتزاعی که ابزار مهمی در ساختار نظم بین‌المللی از نگاه غرب به شمار می‌آیند، به پاشنه آشیل این روابط تبدیل شده‌اند؛ مفاهیمی که به آزادی‌های اجتماعی، حقوق بشر و دموکراسی گره می‌خورد و میان سال‌های اخیر محل جدی منازعه میان روسیه و غرب بوده است. برای مثال از نگاه بروکسل، مردم اوکراین در سال ۲۰۱۴ برای دموکراسی و حاکمیت قانون به خیابان‌ها آمدند و از این‌رو الحاق کریمه از سوی روسیه و سیاست‌های این کشور در قبال اوکراین را به‌شدت محکوم می‌کنند که از همین رو تحریم‌هایی را نیز وضع کرده‌اند. از سوی دیگر، کرملین بر این باور است که با مداخله غرب، حکومت از دست یانوکوویچ خارج شد و نگاه دیگری به ماجرا دارد. اکنون این تنش‌ها هم‌زمان با روی‌کارآمدن بایدن، این‌بار به واسطه موضوع ناوالنی ظهور کرده است تا در کنار آن دیگر تنش‌هایی که در چهار سال پیش مسکوت مانده بود، بار دیگر احیا شود. ایالات‌متحده پس از جنگ جهانی دوم، همواره شریک ارشد اروپا به شمار می‌آمد تا اینکه در دوران ترامپ، دشواری‌های بسیاری در این هم‌گرایی پیش آمدند و این فرصت طلایی بود تا روسیه کمال بهره را ببرد؛ اما اکنون بار دیگر نظم یورولانگیک در مسیر گذشته قرار گرفته است و روسیه بیم این را دارد که اگر نتواند همکاری‌های خود با اروپا را حفظ کند، در مسیر انزوا قرار بگیرد. از این‌رو، بروکسل را تهدید می‌کند که اگر در مسیر تقابل قرار بگیرد، روابط خود را قطع خواهد کرد؛ اما در واقع این یک بیم اجنبی است که در پس تهدید، جست‌وجوی همکاری است. اکنون به نظر می‌رسد کرملین درباره روابط کوتاه‌مدت خود با اتحادیه اروپا بسیار بدبین است و به موجب این تردید، دو رویکرد در میان سیاست‌مداران روس تشدید خواهد شد؛ عده‌ای معتقدند با نوسازی سیاسی باید در مقابل شکننده‌شدن روابط با غرب ایستاد؛ چراکه به اعتقاد این طیف، رویارویی نه‌تنها خسارت اقتصادی به دنبال خواهد داشت، بلکه می‌تواند آشفستگی سیاسی و ناراضیاتی اجتماعی را نیز به همراه داشته باشد. در مقابل، گروه دیگری قرار دارند که معتقدند روسیه به واسطه رفتارهای پادفندی دوره‌ای، باید به مقاومت در برابر فشارهای غرب ادامه دهد. این گروه مذاکره برای آتش‌بس در تنش‌های با غرب را به‌منزله عقب‌نشینی و شکست می‌دانند.